

۲۰۰۱ TRIBUN 6, Q1

KOD: TR646

تریبون ۶ ۲۰۰۱

نگاهی به اقتصاد مریض آذربایجان

مهندس یعقوب تقوی

«ما از یکطرف خواهان امنیت سرمایه‌گذاری خارجی هستیم ولی نه تنها به امنیت سرمایه‌گذاری داخلی نمی‌اندیشیم بلکه استاد اعظم فراری دادن سرمایه ملی هستیم. در شرایطی که دو باب هتل نیمه تمام در مسیر جاده ائل‌گولی تبریز بیش از ده سال است که منتظر افتتاح و بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری انجام شده است چندین باب از هتل‌های درجه یک استانبول متعلق به سرمایه‌داران آذربایجانی است. فرار سرمایه ملی از آذربایجان چنان ابعاد وحشتناکی به خود گرفته که می‌توان به جرأت گفت که سرمایه‌های آذربایجانی علاوه بر بازار تهران، بازارهای دوبی و سریلانکا و... را به قبضه درآورده است و واقعیت امر این است که کشور ما در طول ۲۰ سال گذشته یا فاقد برنامه‌ریزی اقتصادی بوده و یا در صورت داشتن برنامه، یک بار محوریت توسعه را به کشاورزی، در برنامه دوم محوریت را به صنعت و در برنامه سوم محوریت توسعه را به صادرات غیر نفتی اختصاص داده است.»

«متأسفانه تمام برنامه‌های توسعه ذکر شده بیشتر شبیه خالکوبی نقش شیر بر بدن لوطی‌نمائی است که در اثر درد ناشی از سوزن خالکوبی، هر دفعه مجبور به صرف‌نظر کردن از خالکوبی قسمتی از اندام‌های نقش شیر بر بدن خود می‌گردد و نتیجه اینکه شیر خالکوبی شده، شیر بی‌یال و دم از کار درمی‌آید!»

«بیش از ۹۰٪ صادرات ارزی و ارز بدست آمده متعلق به معادن و جامعه روستایی است لیکن این درآمدهای ارزی نصیب جامعه مصرفی شهری بویژه تهران می‌گردد.»

«مدیران ما حاضرند ساعت‌ها در تمام زمینه‌های ایدئولوژیک، سیاست، فقه، کهکشان، ماگمای درون‌زمین و ... سخنرانی بفرمایند ولی اگر از آنها پیرسی که برنامه شما جهت جبران کمبودهای برق، آب، خانه، خواربار و یا صادرات محصولات کشاورزی، قالی و غیره چیست بندرت فردی را می‌توان یافت که بتواند حداکثر نیم ساعت در زمینه تخصصی مدیریت خود سخنرانی و برنامه ارائه نماید.»

«هشتاد درصد اقتصاد تبریز در دست بنیادهاست که علیرغم استفاده از امکانات وسیع مردم، مالیاتی پرداخت نمی‌کنند و در مقابل از شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی و عام که بر اساس اعتماد عمومی شکل گرفته‌اند دو بار مالیات می‌گیریم. یک بار برای سود ناخالص و یک بار هم برای تقسیم سود بین‌اعضاء! و توجهی نیز به آسیب دیدن اعتماد عمومی به این شرکت‌ها را نداریم.»

«منطقه آذربایجان دارای ویژگی‌های اقتصادی خاص خود بوده که بطور مثال اگر نیشکر مزیت نسبی استان خوزستان و خرما مزیت نسبی استانهای کرمان، خوزستان و هرمزگان و ... باشد بطور نمونه مزیت نسبی آذربایجان را علاوه بر نیروی کار می‌توان در خشکبار، گندم، قالی دستباف، تولیدات کفش و کیف و ... خلاصه نمود. اولین مزیت نسبی آذربایجان نیروی کار باهوش، مقاوم و دارای قابلیت‌های آموزشی بالا تشکیل می‌دهد.»

«متأسفانه صنعت چرم‌سازی، این صنعت درآمدزا بدلیل عقب‌ماندگی تکنولوژی تولید، عدم استفاده از چسب و مصالح مناسب، عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی، عدم بسته‌بندی مناسب و بازاریابی بسیار نامناسب شهرت دیرینه خود را به رقبای دیگر واگذار می‌کند. ایجاد منطقه مخصوصی تحت عنوان نساج شهر و یا کفش شهر و سازماندهی

تولیدات کفش و کیف چرم و تلاش در جهت راه‌اندازی بازار بورس کفش و استانداردسازی و صادرات می‌تواند راهگشای معضل بیکاری و اخذ درآمد ارزی برای منطقه گردد.»

«در صورت استفاده صحیح و پشتیبانی اصولی، شرکتهای ساختمانی آذربایجان را می‌توان در قالب کنسرسیوم‌ها و اتحادها علاوه بر صدور مصالح پروژه‌های تحت پیمان و بکارگیری نیروهای کارگری و متخصص می‌تواند درآمد بالایی را نصیب مردم منطقه نماید. بطور مثال یکی از شرکتهای ساختمانی که متأسفانه علی‌رغم آذربایجان بودن سرمایه، بدلیل استفاده از امکانات سازمان برنامه و بودجه در واگذاری پیمانها در تهران به آنجا منتقل شده است فاز اول بتن‌ریزی فرودگاه صفا پایتخت‌یمن را به مبلغ ۳۵ میلیون دلار به پیمان گرفته و موضوع پیمان را در مدت چهار الی پنج ماه با تأمین اکثر مصالح و نیروی کار از ایران به انجام می‌رساند. مبلغ ریالی متناظر ۳۵ میلیون دلار معادل ۲۸ میلیارد تومان کار در ایران خواهد بود که تقریباً سه برابر کار قابل انجام در سد آبش‌احمد خواهد گردید و مدت اجرای کار نیز بجای ۴ الی ۵ ماه حدوداً ۱۵ سال زمان خواهد گرفت.»

«متأسفانه علی‌رغم داشتن سابقه طولانی صادرات خشکبار آذربایجان به خارج؛ خرید محصولات کشاورزی بیش از آنکه سودی نسیب کشاورزان بنماید نصیب دلان می‌نماید. بسته‌بندی مثلاً مدرن صندوقهای چوبی کشمش و سبزه، فاقد عایق‌بندی جلوگیری از نفوذ رطوبت، مگس و حشرات بوده و این امر بشدت مرغوبیت کشمش و سبزه آذربایجان را از چشم خریدار می‌اندازد. مقایسه کشمش و سبزه صادراتی آذربایجان مثلاً با صادرات همین نوع محصول ترکیه در بازارهای رطوبی و یا گرم باکویا عشق‌آباد و آلماتی و غیره گویای بسیاری از مسائل است. کشمش و سبزه در کشور ترکیه علی‌رغم کیفیت پایین محصول، بعلت بسته‌بندی زیبا و مناسب و عایق‌بندی مورد نیاز و... رغبت خریداران را به خود معطوف می‌دارد.»

«بسته‌بندی خشکبار شامل بادام و گردو نیز مشابه همانهایی است که در بالا ذکر کردیم و متأسفانه به‌بازاریابی و بسته‌بندی این قسمت از خشکبار به اندازه بسته‌بندی و دقت درجه‌بندی پسته داخلی نیز اهمیت داده نمی‌شود در صورتیکه صادرات پسته دارای سازمان

نسبتاً مناسبی بوده که با بازاریابی نسبتاً مناسب اولاً صادرات خود را سازماندهی می‌نماید و از طرف دیگر جهت کنترل تولید و بازار از گسترش و تولید همین محصول در جاهای دیگر شدیداً جلوگیری می‌نماید در صورتیکه تولیدکنندگان خشکبار آذربایجان به امید خدا و دست دلان تهران نشین رها گردیده‌اند.»

«تولید و فروش و بازاریابی قالی و فرش دستباف آذربایجان حداقل در ۷۰-۶۰ ساله اخیر سرگذشت غم‌انگیز و دردناک و گاهاً هراس‌انگیزی را رقم زده است. کارگاه‌های نمود تولید قالی حاج ابوالقاسم جوانها و حکومتگری آنها و تولید قالی دستباف روستایی بدلیل وجود واسطه‌های ریز و درشت و دلالها و غیره تا مقصد بازارهای مصرف، تولید نخ و مصالح مورد نیاز این صنعت و عدم استاندارد مصالح مصرفی و وجود دلالها و نزولخواران قهار، عدم برابری هزینه‌های تولید و اجرت‌های کارگری و ... خود موضوع تحقیق و نوشتن کتابها و مقالات عبرت‌انگیزی است که خارج از حوصله این متعال است. معضلی که این صنعت در شرایط کنونی با آن دست به گریبان است:

دلان واسط بین صادرکننده مستقر در تهران و تولیدکننده در آذربایجان از این می‌نالند که طرفش چک‌های بی‌محل و یا خالی تحویلش می‌دهند. و لاقلاً یک‌پنجم مسافران اتوبوس‌های تهران - تبریز متعلق به کسانی است که دنبال نقد کردن چک‌های دریافتی از محل فروش قالی هستند. و یا از این امر می‌نالند که کارگران بعد از انقلاب شاخ درآورده‌اند! و کارگر جهت بافت قالی پیدا نمی‌شود! از طرف دیگر کوچه‌های شهر از سیل بیکاران که دنبال سمساری و برف پارو کردن و ... لبریز است! در صورتیکه کارگران تولیدکننده غالباً بعلت نداشتن سرمایه جهت خرید مصالح و نقشه‌های جدید بازارپسند و در صورت اشتغال بصورت کنتراتی - مقرون به صرفه نبودن آن، مشاغل را به کارهای کذب‌ولی دارای درآمد سوق می‌دهد.»

«قیمت خرید و یا قیمت گندم درجه ۲ در بازارهای بین‌المللی بین ۱۹۰-۲۱۰ دلار برای هر تن است. یعنی قیمت گندم و جو در بازار بین‌المللی بین ۱۶۰ الی ۱۷۵ تومان در بازارهای بین‌المللی است. این ارقام در سخنرانی وزیر محترم کشاورزی در روزنامه فتح مورخ

۷۹/۳/۱ برابر ۱۸۰ تومان گزارش گردیده است. در صورتیکه قیمت تضمینی خرید گندم و تبصره ۷۷ قانون برنامه دوم در سال زراعی ۷۸ برابر ۶۷۲ ریال بوده و قرار است در سال زراعی ۷۸-۷۹ رقم فوق به ۸۷۵ ریال افزایش یابد.

اگر علاوه بر هزینه خرید گندم از کشاورز آمریکایی و یا استرالیایی، هزینه حمل و بارگیری و دهوراژ (هزینه حق توقف کشتی) در بندر ایرانی را معادل همان مبلغ خرید گندم از خارج در نظر بگیریم؛ در اینصورت قیمت تمام شده گندم خارجی در بندرعباس و یا بندر چابهار و بوشهر برابر ۳۶۰ تومان خواهد بود. و اگر از هزینه‌های انبارداری، سیلو و هزینه حمل و نقل داخلی که مبلغ آن در سال ۷۹ از مبدأ بندرعباس به تبریز حدود ۱۷-۱۵ تومان برای هر کیلوست صرفنظر کنیم، مثلاً فرض کنیم گندم فوق بطور فی سبیل الله توسط کامیونها حمل و نقل می‌گردند!! آیا دلیلی دارد که کشاورز ایرانی و علی‌الخصوص مناطق سردسیر و غله‌خیز آذربایجان که نهاده‌های کشاورزی را با قیمت دلار آزاد و حاصل دسترنج خود را به مبلغ ۶۷۲ ریال در سال ۷۸ و به مبلغ ۸۷۵ ریال در سال ۷۹ به دولت واگذار نمایند؟

چه دلیلی دارد که دولت‌های حکومتگر مرکزی به منظور آرام نگهداشتن مصرف‌کننده شهری یارانه‌ها از جیب کشاورزان نگون‌بخت گندمکار پرداخت کند؟»

«آیا پرداخت نصف قیمت خرید جهانی گندم به گندمکاران ایرانی او را به تولید بیشتر، اسکان هرچه بیشتر در روستا و جلوگیری از مهاجرت ترغیب نخواهد کرد؟ چرا کشاورز آذربایجانی بدلیل عدم صرفه تولید گندم، روستای خود را بخاطر پرداخت سوبسید مصرف‌کننده رها و برای بدست آوردن لقمه‌ای نان آواره حاشیه شهرها گردد؟ آیا پرداخت قیمت واقعی گندم کشاورز و روستائی ما را به تلاش مضاعف و چندین برابر تشویق نخواهد کرد؟»

«آذربایجان علی‌رغم داشتن پتانسیل‌های فراوان جذب مسافر و گردشگر از بسیج و بهره‌برداری امکانات خود بطور اخص غافل مانده است. در صورتیکه منطقه آذربایجان شرقی و اردبیل با داشتن بیش از ۶۶ دهانه چشمه‌های آب معدنی شناخته شده و با آبدهی حداقل

به میزان ۴۵۰ لیتر در ثانیه که اغلب آنها به هدر می‌رود و در صورت استفاده، بدلیل کمبود امکانات حداکثر ۳-۴ ماه از سال مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند و بقیه سال به هدر می‌روند و جز اظهار تأسف هر ناظری را بر نمی‌انگیزد. به‌جرات می‌توان گفت به موضوع عدم استفاده مناسب از آبگرم‌های معدنی بجز کفران نعمت چیز دیگری نمی‌توان اطلاق کرد. بقول شهریار ملک سخن:

کیم قالدی کی بوغون بیزه بورمادی
آلتدان - آلتدان بیزه کلک قورمادی
بیر مرد اوغول بیزه هاوار دورمادی
شیطانلاری قوجاقلاییب گزدیز سیز
اینسانلاری آیاقلایب ازدیز سیز»